

مجمع ۲۸۵ واحدی امید، ساختمان‌های متحدالشکلی با نمای سنگ‌های سپید دارد و ورودی آن با آیلند فضای سبز زیبایی آراسته شده است. درست مقابل این فضا، فوارهٔ زمان‌داری در یک حوض زیبای فیروزه‌ای جریان دارد. در ختچه‌های کوچک، حس زندگی را القامی کنند. گل‌های رز صورتی و سفید، زیبایی خاصی به محیط بخشیده اند. سنگ‌های بزرگ صخره‌ای تزئینی در چهار طرف این فضای بزرگ پارکی، چشم‌نوازی می‌کند و زیبایی این محوطهٔ سبز نوپا را دوچندان کرده است.

احمد نهایی مشغول آبیاری نهال‌ها و فضای سبز این بوستان است؛ بوستانی که به‌دستان خود و با هزینهٔ شخصی اش برای مردم ساخته است. برای این کار هم دلایل خودش را دارد؛ «من عمرم را برای مردم صرف کردم. سال ۹۳ بازنشسته شدم و چند سال بعد ۱۱۰ میلیون تومان سنواتم را دریافت کردم. دوست داشتم این مبلغ را هم برای مردم هزینه کنم. چند وقت پیش، تعدادی از اهالی این مجتمع و جوانان هیئتی که مرا می‌شناسند، از من خواستند که در مجتمع امید، یک فضای سبز مجهز پارکی ایجاد کنیم تا باعث ایجاد روحیهٔ شادی و نشاط در ساکنان شود. ناگفته نماند که سال گذشته آیلندی را تقریباً نزدیک ورودی ساختم که البته هزینه‌اش خیلی کمتر از این بوستان تازه تأسیس شد و برای ساخت آن هم، از هیچ کدام از اهالی پولی نگرفتم.»

۸ کارشناس، از ابتدای پروژه کمکم کردند

بعد از پیشنهاد همسایه‌ها و به‌هیئت‌ها فکرش مشغول می‌شود و به این می‌اندیشد که چطور آن را عملی کند تا اینکه: «اسفند سال گذشته موضوع ساخت بوستان را در مجتمع امید، از تربیون مسجد موسی بن جعفر (ع) مطرح کردم. آن موقع هنوز سنواتم را نگرفته بودم. در مجموع ۴ میلیون و ۱۵۰ هزار تومان جمع‌آوری شد که برای انجام پروژه، خیلی کم بود. چند ماه بعدش، سنواتم را دادند و من بلافاصله روند کار را شروع کردم.»

ابتدا عملیات عمرانی و نقشهٔ پروژه را با کمک کارشناس عمران طراحی می‌کند. زیرسازی‌ها را در زمین ۲ هزار و ۶۰۰ متری انجام می‌دهند و حوض بزرگ و زیبای دایره‌شکلی هم طراحی می‌شود؛ «عملیات کف‌سازی و عمرانی و جدول‌کشی که تمام شد، آن را با گونه‌های مختلف گل و گیاه آراستیم. فقط ۳ هزار و ۵۰۰ بوته گل رز کاشتیم. گونه‌های دیگری هم مثل به‌ژاپنی و توت‌تزیینی و ابریشم و گیاهان بسیار دیگری در فضای سبز فعلی وجود دارد. صخره‌های تزئینی را خریدیم و با کمک جرنقیل در چهار طرف میدان، جانمایی کردیم. هشت کارشناس از اول تا آخر، ما را در اجرای این پروژه کمک کردند و هم‌زمان با عید غدیر امسال، با حضور شهردار منطقه افتتاح شد.»

شهرداری برای تأمین برخی تجهیزات، قول مساعد داده است

احساس اود را به این فضاهای سبز شنیدنی است، وقتی می‌گوید که هر روز، ۲ هزار و ۶۰۰ متر فضای سبز را با دستان خودش و بی آنکه کوچک‌ترین منتهی بر سر کسی داشته باشد، آبیاری می‌کند؛ «گل و گیاه نیاز به مراقبت دارد. مثل بچهٔ کوچک است، باید مواظبش باشی تا درست رشد کند و به ثمر بنشیند. یکی از کارهایم این است که هر روز صبح آن‌ها را آبیاری کنم.»

کمبودهای بوستان نیز از چشم او دور نمانده است؛ «این فضای نوپا، کمبودهایی از قبیل صندلی پارکی یا وسایل بدن‌سازی و بازی بچه‌ها دارد که البته شهرداری برای تأمین آن‌ها قول مساعد داده است.»

۱۴ سال به‌مرخصی نرفتم

کارنامه کاری اش به قدری پر بار است که مسئولان شهری زیادی در دوره‌های مختلف، او را به خاطر سخت‌کوشی و خلاقیتش تشویق کرده‌اند. گواه این ادعا هم تقدیرنامه‌های متعددی است که از دست شهرداران مختلف گرفته و چندین دوره نیز کارمند نمونه شناخته شده است. پیوستنش به مجموعهٔ شهرداری نیز داستان خودش را دارد؛ «سال ۱۶ به مجموعهٔ شهرداری آمدم. آن موقع برای یاد گرفتن مهارت‌های مختلف، مشتاق بودم. مرا انتخاب کردند تا دوره‌های تخصصی صنایع مخابرات را در تهران و شیراز بگذرانم؛ دوره‌ای که در تهران برگزار شد و استادانش ایتالیایی بودند. در آن دوره، نحوهٔ مدیریت بحران و نقش ارتباطات در کنترل بحران را به ما آموزش دادند. بعد به مشهد برگشتم تا هر چه رایاد گرفته بودم، اجرا کنم. اولویت با سازمانی بود که در آن مشغول کار بودم. آن زمان، شهرداری هیچ شبکهٔ ارتباطی و بی‌سیم نداشت، فقط سه بی‌سیم در آتش‌نشانی بود که گاهی شهردار هم با همان‌ها با کارکنانش صحبت می‌کرد. اواخر دوره مدیریت آقای صابری فر به من پیشنهاد شد تا شبکه ارتباطات رادیویی و بی‌سیم را در شهرداری راه‌اندازی کنم. روزی ۱۷، ۱۸ ساعت کار می‌کردم تا اینکه شبکه بی‌سیم را راه‌انداختم و در شروع دوره مدیریت آقای امیری پور ساختمان ارتباطات رادیویی در مشهد افتتاح شد. خدمتی دادم که در تمام سال‌های خدمتم، برای شنیدن «دست در نكند» و به‌منظور خوشایند هیچ مسئولی کار نکردم. هدفم فقط خدمت به مردم بود و با جان و دل برای



من عمرم را
برای مردم
صرف کردم.
سال ۹۳
بازنشته شدم
و چند سال بعد
۱۱۰ میلیون
تومان سنواتم
را دریافت
کردم. دوست
داشتم این مبلغ
را هم برای
مردم هزینه
کنم



احداث ساختمان ارتباطات رادیویی در اوایل دهه هفتاد در بولوار هفت تیر



سمت راست نفر اول - سالن مهران، قهرمانی مسابقات کشتی کشور سال ۶۳

خانواده ام همیشه من را همراهی کردند

انگار همیشه سرش درد می‌گرفته برای راه‌انداختن کار مردم و خدمت به مملکتش، آن هم بی‌منت؛ چه زمانی که در اداره مشغول به کار بوده و چه وقتی که در میدان جنگ به‌سر می‌برده؛ «از بسیج اداره به جبهه جنوب اعزام شدم. آنجا هم کار ارتباطات رادیویی انجام می‌دادم و فوریت‌های جنگ دستم بود. یک روز عصر، یکی از رزمندگان ستون پنجم، خبر آورد که مهمان دارید؛ یعنی احتمال پانک از سوی دشمن بعثی هست. خبرش درست بود.